

بی سیم روی دوش تو بود و تمام خط
هر لحظه منتظر به صدای پیام بود
در لحظه های پر تب و تاب مخابره
لبخندهای بی رمقت بادوام بود
(یادم نمی رود دم آخر میان خون
فریاد در سکوت تو آن بغض بی کلام
این آخرین پیام تو از سوی خاک بود
من می روم به دیدن یاران خود تمام)(۲)
(عمار عمار مرکز مرکز مرکز به گوشم
وقتی تنهاست مولا بی تابم پر خروشم)(۳)
عمار دارد میاید عطر و شمیم خوش اهلی
با نغمه ی یا رضا راست با پرچم سبز مهدی
امروز به گوشیم که از مرکز پیام
با گوش چشم رهبرمان جان به کف شویم
مانند تو اگر خطری بود در میان
بی سیم بگیریم به دوش و به صف شویم

امروز گوشمان به ندای عدالت است تنها به گوش و منتظر امر رهبریم
ما نسل پر امید و تنومند انقلاب وقت جهاد از همه ی خلق سرتریم